

با ورزش در مسابقات ببرون مرزی



گزارشی از اعزام دانش آموزان دختر

به مسابقات والیبال آسیایی / ویتنام - ۲۰۱۱

مهناز تسلیمی

سرپرست گروه اعزامی

اشاره

نوع پوشش در یک کشور در خاور دور با کشورهای آسیایی که در دور و اطراف ما هستند، همه هويت ما نبود، گرچه ارزش و قداست حجاب افتخار ما زنان مسلمان است، ولی کوله‌باری مهم از اندوخته از دیگران نیز برای ما بارز بود که به گوش تک تک معلمان، دانش آموزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت برسد، حتی اگر تکراری هم باشد.

لازم به ذکر است، جمهوری سوسیالیستی ویتنام کشوری در جنوب شرقی آسیا است که بیشترین رشدهای اقتصادی را در منطقه خود دارد و تلاش می‌کند تا سال ۲۰۲۰ به کشوری توسعه‌یافته تبدیل شود. در جنوب این کشور دریای جنوبی چین قرار دارد. در قرن نوزدهم، فرانسه ویتنام را مستعمره خود کرد. ویتنام طی جنگ جهانی دوم به اشغال ژاپن درآمد. پس از جنگ دوباره فرانسه زمام امور ویتنام را به دست گرفت، اما تنها اندکی پس از آن در سال ۱۹۴۵، ویتنام استقلال خود را به دست آورد. پس از استقلال، ویتنام به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و نظام کمونیستی در شمال و نظام غیر کمونیستی در جنوب این کشور حاکم شد. در سال ۱۹۶۵، آمریکا با فرستادن نیروهایی به ویتنام جنوبی به یاری جنوبی‌ها برای مقابله با شمالی‌ها شتافت. کمکی که به جنگ مشهور ویتنام منجر شد. این جنگ ضررهای زیادی بر امریکایی‌ها وارد کرد و سرانجام در سال ۱۹۷۹، ویتنام به کامبوج حمله و آن را اشغال کرد. کامبوج با کمک چین موفق شد ویتنام را از خاک خود عقب براند. جمعیت این کشور

توسعه ورزش همگانی و قهرمانی در کشور ایران مسیر صعودی خود را طی می‌کند. در دهه اخیر، این شتاب در ورزش دانش‌آموزی گام‌های بلندتری برداشته و به جایی رسیده که در تجربیات فراملی و جهانی قدم‌های محکمی گذاشته و حتی سکوهایی را نیز از آن خود کرده است و این داستان با فرازونشیب‌های فراوان در جامعه دختران نیز تالو پیدا کرد. اعزام دانش‌آموزان دختر به مسابقات والیبال آسیایی دروازه‌ای بر اوج افتخارات زنان و دختران این سرزمین آریایی بود که نشان داد زنان نیز حرف‌های ورزشی خود را تا پای سکوی قهرمانی با حفظ ارزش‌های مقدس دینی حفظ می‌کنند و در این مسیر حجاب اسلامی زنان و دختران مسلمان نه تنها در پیشرفت آنان پایایی دیگران مشکل‌آفرین نیست، بلکه توانایی و ابتکار و نبوغ و تمام استعدادها را در این راه ارتقاء و هدفمند می‌کند. جای بسی شادی و شرف بود که در این رقابت آسیایی بعد از سی سال جای خالی ایران به همت دلسوزان ورزش دانش‌آموزی این بستر فراهم شد و نهایت نیز این تلاش‌ها بدون پاسخ نبود و دختران قهرمان مقام سوم را نیز در رقابت‌هایی سخت به نام مقدس کشورمان ثبت کردند.

این اعزام، داستانی تازه در باب رویارویی با چند کشور در یک تورنمنت والیبال صرف نبود. شاید از هر جهت شباهت‌های زیادی با تمام مسابقات و اعزام‌های درون مرزی و برون مرزی داشت، ولی در دل خود شاید روایتی دیگر بود. این



و به پوشش‌دهی اصل برنامه و مسائل مهم‌تر پرداختند. وزیر محترم در بین صدها شخص محاصره نشده بود و با خوش‌رویی و متانت مناسب می‌شد چند دقیقه‌ای با ایشان صحبت و سلام‌وعلیک کرد و عکس یادگاری گرفت.

توجه به اهم مسائل کاربردی و اطلاع‌رسانی مکفی به تیم‌ها: با استفاده از راهنماهای تیم‌ها مشکلات و ابهامات رفع می‌شد. افرادی بودند که با صداقت خوب گوش می‌دادند و با صداقت به شما اعتماد می‌کردند. و در هر کاری نهایت همکاری و صبوری را داشتند.

اهمیت به حفظ سلامت شرکت‌کنندگان: مهم‌ترین تأکید آن‌ها به فرهنگ ترافیکشان بدون مخفی کردن واقعیت‌های کشورشان بود. مسئولان جلسه در آغاز صحبت‌هایشان اشاره کردند در کشورشان موتورسیکلت‌سوار زیاد است و به رعایت اصول ایمنی هشدار دادند. این حقیقت را همه به چشم می‌دیدند، ولی مسئولان در این رابطه ایمنی شرکت‌کنندگان را بر مخفی کردن ضعف و معضلات کشور خودشان ارجح می‌دانستند!

توجه به فرهنگ‌ها و احترام به مذاهب: در تمامی مراسم و ارتباطات و برنامه‌های رسمی و غیررسمی این نکات را در

حدود ۸۶

میلیون و ۱۱۷ هزار نفر با

میانگین سنی ۲۷ سال است. امید به زندگی

برای زنان ۷۴ و برای مردان ۶۹ سال است. حدود ۰/۴ درصد از جمعیت بزرگسال این کشور به بیماری ایدز مبتلا هستند.

زبان رسمی این کشور ویتنامی است.

شعار ملی مردم ویتنام - **Độc - Tự do - Hạnh phúc**

lập - یعنی (استقلال - آزادی - شادی) است.

نظم و انسجام میزبان: برنامه‌ریزی دقیق در تک‌تک برنامه‌ها، اقامت، اسکان، تغذیه، تمرینات، جلسات و... بدون کوچکترین اشکال بود. نکته‌ای یافت نمی‌شد که در برنامه لحاظ نشده باشد. حتی اگر برنامه‌ها سال‌ها تکراری و مشابه باشد، برخی نکات به مقتضیات روز نیاز به تغییر دارد. کشور میزبان (ویتنام) تمام نکات را دیده بود. همه از نظر بازیکنان، مربیان، سرپرستان و داوران و تماشاگران و... در برنامه‌ها لحاظ شده بودند، حتی افراد اضافه!

مدیریت زمان: جلسات منظم و کوتاه و غیر کلیشه‌ای، متناسب با وقت و زمان و به دور از سخنرانی‌های غیرمتعارف کلی و شعاری، واقعاً به مدیریت زمان و بهادادن به شنوندگان است که به نحوی مناسب رعایت شد. برنامه‌های افتتاحیه و اختتامیه و جلسات و بازدیدها و میهمانی، بازی‌ها و تمرینات به صورت ساده و به‌دور از هرگونه هزینه‌های اضافی و به‌درد نخور و در عین حال جامع و مؤثر و تأثیرگذار و کیفی.

اهمیت به همه انسان‌ها: تمامی دست‌اندرکاران در برنامه در شرایط یکسان به دیگران احترام می‌گذاشتند و به آن‌ها احترام گذاشته می‌شد. حتی وقتی وزیر آن‌ها به همراه معاون در جایگاه برنامه افتتاحیه قرار گرفت، مثل بقیه شاهد برنامه بود و در صحبتی کوتاه خوشامدگویی و آرزوی موفقیت‌اش را اعلان کرد. عکاسان با دوربین یک یا دو عکس از آن‌ها گرفتند

مردم سخت‌کوش ویتنام بسیار ساده‌زیست و ساده‌پوش بودند. هیچ آرایش و تجملاتی در مردم عادی، کارکنان آن‌ها در محل کار، فروشندگان خانم و... مشاهده نمی‌شد



بدون استثناء همه دانش آموزان و مربیان و... به دو اصل سحرخیزی و نرمش صبحگاه اهمیت می دادند و در برنامه‌ای منسجم و بدون سروصدا و با روحیه شاد و لب خندان به نرمش می پرداختند

به گروه ملحق می شدند. پس از هر دستوری به مدیر احترام به جا می آوردند، بدون اجازه صحبت نمی کردند و از رفتارهای غیرمتمتعرف و شیطنت در حضور آن‌ها امتناع می کردند. هیچ گاه اعتراض و نق زدن و شکوه کردن در یکی از آن‌ها نمی توانستیم پیدا کنیم. هر چه بود، همه ادب بود.

ع نظم و ترتیب در امور: در هر اتاقی که تعدادی دانش آموز حضور داشتند، در تمام لحظه‌ها، اتاق آراسته، منظم و مرتب بود. در برنامه حدود ۱۰ دقیقه زودتر آماده باش بودند و مربی و سرپرست لازم نبود که تک به تک تلفن بزند یا به اتاق‌ها مراجعه کند و البته با سکوت مقتضی...

ع سحرخیزی و نرمش صبحگاهی: بدون استثناء همه دانش آموزان و مربیان و... به دو اصل سحرخیزی و نرمش صبحگاه اهمیت می دادند و در برنامه‌ای منسجم و بدون سروصدا و با روحیه شاد و لب خندان به نرمش می پرداختند.

ع صرفه‌جویی و حفظ وزن: با توجه به فهرست متفاوت در میز غذاها، به اندازه نیاز غذا برمی داشتند و بدون حرف و صحبت و با دقت در طرز نشستن در سر میز غذا می خوردند. به جرأت می توان گفت، تمام مربیان و دانش آموزان در نهایت دقت انتخاب شده بودند که علاوه بر رعایت تخصص‌های فنی، حائز شرایط اخلاقی و استقامتی و خودساختگی لازم بودند. به طوری که در هر مسأله‌ای نه افراط و نه تفریط داشتند. از لحاظ ساختار قامتی و جسمی، گرچه بلندی قامت شرایط مطلوب در ورزش‌هایی مثل والیبال است و لکن در این ورزشکاران تناسب اندام و موزنی قامت و عدم چاقی موضعی و چربی اضافی، چست و چابکی

برخورد با خانم‌های محجبه رعایت می کردند. در مواردی مثل دست دادن، مکان‌های تعویض لباس، تغذیه مسلمانان، وضعیت اتاق‌ها، به کارگیری خدمه و راهنماهای خانم و... هماهنگی داشتند. به نظر می رسید ضمن روان شناسی کامل در باب کشورها درباره تمام فرهنگ، نگاه آگاهانه و مطالعه‌ای به روز کرده‌اند.

ع داشتن روحیه کسب علم و فراگیری: در تمام اقشار مردم ویتنام، کسب اطلاع از کشورهای دیگر به ویژه به کاربردن برخی کلمات رایج، فرهنگ‌ها، مذهب و... جالب و باارزش بود و در هر فرصتی مشتاق به دست آوردن اطلاعات بودند.

ع ساده‌پوشی و عدم مصرف تجملات و آرایش زنان و دختران: مردم سخت کوش ویتنام بسیار ساده زیست و ساده پوش بودند. هیچ آرایش و تجملاتی در مردم عادی، کارکنان آن‌ها در محل کار، فروشندگان خانم و... مشاهده نمی شد. دختران دانش آموز و دانشجویان آن‌ها که مجردند با خانواده زندگی می کنند و به والدین خود بسیار احترام می گذارند. در هر فرصتی به خانواده خود کمک می کنند و برای امرار معاش از دوران دانش آموزی تلاش می کنند. به تحصیل فرزندان اهمیت می دهند و احترام معلمان برایشان واجب است.

ع تبعیت کامل از مسئولان و مدیران خود: ضمن همکاری بسیار مناسب با گروه و تیم، تحت هر شرایطی نسبت به مربی، مسئول، سرپرست، مدیر و... مطیع هستند و بدون اجازه از آن‌ها به امور انفرادی روی نمی آورند. در تمام برنامه‌ها حتی بازدید، یک گام از گروه جدا نبودند، مگر با اجازه در زمانی تعیین شده که مجدداً



- و...

ما البته با حجاب بارزش خود در برنامه آسپایی حاضر شدیم، آقایان و پسران ما هم همین‌طور با رعایت شئونات اسلامی

و اما یک نکته متفاوت از حال و هوای ما با بقیه: شب ۲۱ ماه رمضان و شب قدر بود و همه در یکی از اتاق‌های هتل تا بعد از نیمه شب رو به قبله دعای عظیم‌الشان «جوشن کبیر» را می‌خواندیم و در شب شهادت مولای متقیان و الگوی آزاد مردان و زنان مسلمان به او تمسک می‌جستیم. چشم‌های دختران ایران در لایه‌های اشک بود و هر کس به حال دلش دعا را زیبا و بدون نقص زمزمه می‌کردند. در این دیار که ظاهراً بودایی‌اند و بت‌ها را هنوز می‌پرستند، ولی رفتار و سکنااتشان از انسانیت می‌گوید، تنها در یک اعتقاد ایدئولوژی تفاوت داریم ولی در عمل آن‌ها مبادی آداب بودند. از ما با این دین غنی و الگوهای فوق بشری، انتظار بیش‌تری از خود داریم.

شاید یک معلم عزیز ورزش درس تربیت‌بدنی را عشق و مشق آن‌ها و ما کرد، و معلمی دیگر لازم است که دعای جوشن کبیر که با زیبایی‌اش صدبار فریاد می‌زند: «سبحانک یا لا اله الا انت، الغوث الغوث خلصنا من النار» را دوباره درس بدهد که از همین عذاب آتش و جهل و فراموشی نسبت به خود و خالق رهایی بده و باز بیکه‌تاز باشیم در آسیا و جهان با نام پرآوازه ایران اسلامی و ما میزبانی باشیم با اهداء یک سبد ادب و انسانیت!

شگرفی به آن‌ها داده بود که در تمام مدت مسابقه استقامت و تنظیم انرژی پایه را حفظ می‌کردند و همه در هر لحظه در هر کجای زمین اراده می‌کردند به راحتی مانور تغییر مکان می‌داند. در خرید هم تا آنجا که امکان داشت، فقط نگاه می‌کردند و جز همان ساکی که آورده بودند، بیشتر نبودند که بخواهند، چمدانی اضافه بخرند!

و برنامه‌های تدارکاتی قبل از اعزام: این شایستگی کاملاً در دانش‌آموزان و مربیان مشهود بود که در شرایط جسمی و روحی و فنی و استقامتی بسیار مناسبی قرار گرفته‌اند و از آزمون‌های متعددی صلاحیت شرکت در مسابقه را پیدا کرده‌اند. آموختن مهارت‌های بارزشی مثل حفظ تعادل بدن، تغذیه و کالری مورد نیاز، تنظیم زمان خواب، بدنسازی و تمرینات مناسب، انجام کمک‌های اولیه در زمان لزوم و... در کنار فعالیت‌های فنی و تخصصی از مهم‌ترین آموزش‌های دانش‌آموزان بوده است.

و مشارکت‌های داوطلبانه: در برنامه‌های اجرایی از نیروهای رسمی به‌طور تام و کمال استفاده نکرده بودند که کل وزارتخانه یا دفتر مربوطه تعطیل شود! ضمن آنکه میزبانی برنامه به یکی از شهرهای غیر پایتخت واگذار شده بود، از تمامی افراد به‌ویژه دانشجویان، مسئولان هتل و سایر قسمت‌ها به صورت افتخاری و داوطلبانه دعوت به همکاری شده بود و این افراد جز پذیرایی روزانه و نهار حقوق دیگری نداشتند. حتی با موبایل خودشان هماهنگی می‌کردند و یا با موتور خودشان ایاب و ذهاب می‌کردند.